

ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید : هر زن و مرد بالغی، حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت، تابعیت یا مذهب ، باهمدیگر، زناشویی کنند و تشکیل خانواد دهند . در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر ، در کلیه امور مربوط با ازدواج ، دارای حقوق مساوی میباشند . . . اما اسلام ؟ . . .

آیا یک مرد ، میتواند چند زن ، بگیرد ؟

* غوغای تعدد زوجات !

* تعدد زوجات از نظر اسلام

* اشتباه برخی از نویسندگان

* رفع اشتباه و بیان حقیقت

رتال جامع علوم انسانی

غوغای تعدد زوجات:

از جمله مطالبی که در ضمن تحولات قرن اخیر و جنبشهای علمی و اجتماعی عصر ما میتوان مطلب تازه ای سرزبانها افتاده و موافق و مخالف پیدا کرده مسأله «تعدد زوجات» است .

پیروان کلیسا قانون تعدد زوجات را یکی از نقاط ضعف آئین اسلام شمرده و از این راه علیه اسلام ، تبلیغات مسمومی برآوردند و دامنه این تبلیغات سوء آنچنان گسترش پیدا کرده که حتی برخی از نویسندگان با اصطلاح روشنفکر شرقی ؛ تحت تأثیر تبلیغات سوء پیروان کلیسا قرار گرفته ؛ مسأله «تعدد زوجات» را قانونی جائزانه نسبت بزین پنداشته اند !

برخی از نویسندگان اسلامی برای آنکه هم جنبه دینی و مذهبی وهم جنبه تجدیدخواهی و

غرب زدگی خود را حفظ کنند و قوانین اسلامی را با غوغاهای زود گذر روز، تطبیق دهند، قانون جواز تعدد زوجات را از نظر اسلام گاهی بطور کلی و گاهی بعنوان يك اصل ثابت و همیشگی انکار کرده جنبه موقتی و استثنائی بدان داده اند؛ و گاهی هم مصلحت تشریح آنرا تنها بزمان پیمبر اسلام و خلفاء که مسلمین همواره بایگانگان در جنگ و ستیز بودند، اختصاص داده و در عصر هائی مانند عصر مصلحت تعدد زوجات را منکر شده اند.

ما برای اینکه روشن کنیم: این سخنان تاجه اندازه ناروا و دور از حقیقت است، قانون «تعدد زوجات» را از دو نظر مورد بررسی قرار میدهیم:

اول آنکه آیا اسلام بیک مرد اجازه میدهد بیش از یک زن بگیرد یا نه؟

دوم آیا این قانون (تعدد زوجات) بِنفع جامعه و خانواده و زن و مرد است یا بضرر آنها؟

تعدد زوجات از نظر اسلام

از موضوعاتی که تمام طوائف مختلف مسلمین، از دیر باز، امری مسام و بدون اشکال میدانند، قانون «جواز تعدد زوجات» است.

«ابن رشد اندلسی» دانشمند معروف در کتاب «بداية المجتهد» در این باره مینویسد: تمام مسلمانها در این که يك مرد میتواند، در یک زمان؛ تا چهار زن، بگیرد، باهم اتفاق دارند» (۱)

مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه، در کتاب «خلاف» درباره اینکه یک مرد تا چهار زن میتواند بگیرد و بیش از آن، جائز نیست، مینویسد: «تمام امت اسلامی باین قانون، عقیده دارند» (۲)

در منابع حقوق اسلامی، غیر از اجماع و سیره عملی، شواهد و دلائل روشنی وجود دارد که مشروعیت قانون تعدد زوجات را طوری به ثبوت میرساند که جای هر گونه شك و تردید را نسبت باصل جواز آن، از بین میبرد.

و در رأس همه آن دلائل، آیه ۳ از سوره نساء است که میفرماید: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتن ان لاتعدوا فواحدة» یعنی: از زنانیکه بر شما حلال هستند، دو تا، یا سه تا، یا چهار تا میتوانید ازدواج کنید ولی چنانچه میترسید رعایت

(۱) بداية المجتهد ج ۲ ص ۴۰

(۲) الخلاف ج ۲ ص ۳۷۶

عدالت را نکنید فقط یک زن باید بگیرد .

در اینجا توجه بدون نکته زیر، ضروری و لازم بنظر میرسد :

۱ - اسلام ، قانون «تعدد زوجات» را بعنوان يك امر حتمی و ضروری ، بر مسلمانها فرض و واجب نکرده که هر گاه قادر باشند، چند زن بگیرند ولی نگرفتن مرتکب حرامی شده باشند بلکه بآنها اجازه داده هر گاه شرائط اجتماعی و خصوصیات زندگی بآنها اجازه داد که بتوانند چند زن را بطور عادلانه نگهداری کنند ، میتوانند بجای يك زن تا چهار زن بگیرند و اینکار بر آنها حرام نخواهد بود .

۲ - زمانیکه آئین اسلام وسیله پیغمبر بجهانیان اعلام میشد، قانون تعدد زوجات با وضع بسیار اقتضاح آمیزی در دنیای آن روز جایان داشته است تا جائیکه از جمله عوامل افنخارات مردان نسبت بیکدیگر ، داشتن زنان متعدد بوده و هر کسی زنان بیشتری در حرم سراها نگهداری میکرد ، خود را از دیگران برتر میدانسته است !

چنانکه درباره اردشیر بابکان و شارلمانی نوشته اند که هر يك در حدود ۴۰۰ زن داشته اند (۱)

و در چین طبق قانون «لیکی» هر مردی حق داشت ، تا صدوسی زن بگیرد و در آیین یهود نیز یکمرد میتواند تا چند صد زن داشته باشد ! (۲)

ولی اسلام در مقابل این همه افراط کاریها ، محدودیتی بوجود آورد و دستور داد : در صورتیکه شرائط زندگی برای نگهداری بیش از یک زن ، موجود باشد و مرد بتواند رعایت عدالت را میان زنهای خود برقرار سازد فقط تا چهار زن میتواند بگیرد و بیش از آن برای او جایز نخواهد بود .

اشتباه برخی از نویسندگان !

یکی از نویسندگان معاصر مینویسد : « تعدد زوجات » هیچگاه بعنوان اصل اولی و قانون همیشگی جمل و تشریح نشده ، زیرا اسلام طبق آیه ۳ از سوره نساء « فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی وثلاث ورباع ، فان خفتن لاتعدلوا فواحدة ، تعدد زوجات را در سورتی

(۱) زن از نظر حقوق اسلامی ص ۱۱۰

(۲) حقوق زن ، اسلام و اروپا ص ۲۱۵

جائزه میداند که ترس و خوف از ارتکاب عدم عدالت، در میان نباشد و چون اجرای عدالت و رعایت دادگری در برقراری حقوق مربوط بزنان هیچگاه ممکن نیست زیرا آیه ۱۲۹ از سوره نساء «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم» (۱) آنرا با کلمه «لن» بطور ابد و همیشه نفی می کند.

از این جهت می توان گفت: در آیه سوم که تعدد زوجات بشرط رعایت عدالت، جایز شمرده شده، از باب تعلیق به محال بوده است!

ولی نظر باینکه ممکن است موارد استثنائی از قبیل جنگ و بیشتر بودن تعداد زنان از مردان... برای جامعه پیش آید که چنانچه کسی حق نداشته باشد، بیش از یک زن بگیرد، زیان مفراطی عاید جامعه میگردد، از این جهت در چنین مواردی با اینکه از نظر اسلام، اجرای عدالت و رعایت حقوق مربوط بزنان ممکن نیست، در عین حال اسلام، از باب «دفع ضرر بیشتر وسیله ارتکاب ضرر کمتر» تعدد زوجات را جایز شمرده است!.

رفع اشتباه و بیان حقیقت

بطوریکه ملاحظه فرمودید؛ این نویسنده برقراری عدالت راهیچگاه بین زنان ممکن نمیداند و شروط قرارداد تعدد زوجات را بر رعایت عدالت، از باب تعلیق به محال میدانند ولی با مختصر دقتی معلوم میشود که این دو آیه (آیه ۳ و آیه ۱۲۹ از سوره نساء) نتیجه فوق را نخواهند داد زیرا تفسیر صحیح آنها چنین خواهد بود: «شما میتوانید از زنان دلخواهتان دو یا سه یا چهار، ازدواج کنید ولی بشرط آنکه بتوانید؛ عدالت را درباره حقوق آنها از قبیل: حق هم بستری، نفقه و امثال اینها، رعایت کنید و گرنه بایستی بیکی اکتفا نمائید.

ولی این نکته نیز باید معلوم باشد که چنانچه شما بخواهید عدالت بمعنی واقع کلمه را که حتی شامل علاقه و محبت بین آنها باشد؛ رعایت کنید؛ چون از اختیار شما بیرون است و برای شما مقدور نیست، از این جهت رعایت آن بر شما لازم نخواهد بود.

آنچه که بر شما فرض است اینست که آثار آن علاقه ها و این بی مهریها در محیط زندگی خانوادگی شما ظاهر نشود که از بعضی از آنها بطور کلی ابراز بی میلی و قطع رابطه کنید و در نتیجه

(۱) هرگز قادر نیستید بین زنها عدالت واقعی را رعایت کنید گرچه بشدت خواهان آن باشید. پس لازم است بطور کلی از آنها سلب علاقه نکرده ابراز بی میلی ننمائید و آنها را مانند موجودات آویخته و معلق قرار ندهید.

آنهارا مانند موجودات آویخته و معلق که نه از حقوق شوهر داری و مزاجت و نه از مزایای بی‌شوهری بهره‌مند هستند ، قرار دهید .

بنا بر این عدالتی که در آیه اول ، تشریح تعدد زوجات ، بآن معلق شده ، عدالت در رعایت حقوق مربوط با ازدواج است که رعایت اینگونه امور در مجال و غیر ممکن نیست ، و اما عدالتی که در آیه دوم با کلمه «لن» نفی شده ، عالت به معنی وسیع کلمه است که حتی شامل عدالت در محبت و علاقه قلبی نیز هست . و رعایت این معنی از عدالت در مشروعیت تعدد زوجات شرط نیست شاهد براینه معنی در خود آیه دو چیز است :

۱- ذیل آیه دوم «فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة»

بعد از آنکه خداوند ، رعایت عدالت مطلقه و بمعنی وسیع کلمه را از قدرت و استطاعت بشر بیرون دانسته فرمود : حال که چنین است پس لا اقل در برقراری حقوق ، راه ستم پیش نگیرید ؛ آنهارا از راه محروم ساختن از حقوق مربوط بزنناشویی و زندگی خانوادگی ، سرگردان نسازید که نه از حقوق شوهر داری بهره‌مند باشند و نه از مزایای بی‌شوهری .

۴- روی این حساب ، امر بتعدد زوجات صحیح نخواهد بود - چنانچه جواز تعدد زوجات مشروط به عدالتی باشد که هیچگاه رعایت آن ممکن نیست و تجویز تعدد زوجات از باب تعلیق به محال باشد ، در اینصورت چنین کلامی لغو و بی‌بهره خواهد بود و حال آنکه یک کفر در مسلمان نمیتواند ، یک چنین نسبتی را بخدای حکیم و دانا ، صحیح و شایسته بداند .

این توجیه (تعلیق به محال) تاجائی نادرست است که افرادی مانند «ابن ابی العوجاء» مادی آنرا وسیله اشکال بر قرآن قرار داده و ما برای توضیح مطلب ، روایت زیر را از کافی ترجمه می‌کنیم :

«ابن ابی العوجاء» از هشام بن سالم پرسید : آیا خدا حکیم نیست ؟ او جواب داد : آری ، خدا حکیم‌ترین حکیمان است .

آنگاه بهشام گفت : بمن بگو به بینم آیا کلام خدا «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم ان لاتعدلوا فواحدة» تعدد زوجات را در صورت عدالت جائز نمی‌شمرد ؟

هشام جواب داد : آری . او گفت : اینک بگو به بینم این کلام : «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة» از خدا نیست ؟

هشام گفت : چرا ، ابن ابی العوجاء گفت : آیا هیچ حکیمی اینطور سخن می‌گوید ؟ هشام نتوانست پاسخی بدهد ، روانه مدینه شد ، خدمت امام صادق علیه السلام رسید ، حضرت باو فرمود : در غیر موسم حج و عمره آمده‌ای ؟ عرض کرد : برای امر مهمی آمده‌ام و آن اینست که :

ابن ابی العوجاء از من سؤالی کرده که قادر پاسخ آن نبوده‌ام ، حضرت فرمود : سؤالش چه بود ؟ ؛ هشام جریان را عرض کرد . حضرت با و فرمود : «منظور از عدالت در آیه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع ، فان خفتن ان لاتعدلوا فواحدة» عدالت در رعایت حقوق زن و نفقه است و اما در آیه «وان تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ...» منظور علاقه و محبت قلبی است !

هنگامیکه هشام مراجعت کرد و این جواب را به ابن ابی العوجاء گفت ، او بهشام گفت :

این جواب از تو نیست ! (۱)

بنابراین ، اگر چه مشکل است که انسان از نظر محبت قلبی بین همسران خود رعایت عدالت کند زیرا چه بسا ممکن است مزایای یکی بیشتر از دیگری باشد ، طبیعی است که در اینصورت و هر نمیتواند قلباً هر دوی آنها را بایکچشم نگریسته و بیک میزان دوست داشته باشد ولی این نحو عدالت بین همسران لازم نیست و بعبارت دیگر ممکن نیست آن عدالتی که لازم است عبارت از رعایت کردن حقوق زن‌هاست شکی نیست چنین عدالتی مقدور میباشد (۲) همچنانکه مشاهده در زندگی افرادی که پای بند بقوانین اسلام هستند و دوایچند همسر دارند اینمعنی را روشن میسازد و مادر تاریخ مسلمین ، نمونه‌هایی می‌یابیم که نه تنها مردان در زمان حیات زنان بین آنان ، رعایت عدالت میکرده‌اند بلکه حتی بعد از مرگ آنان ؛ از رعایت عدالت بین آنها خودداری ننمودند . مثلاً مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه ۱۲۹ از سوره نساء داستان زیر را نقل میکند : «معاذ بن جبل که یکی از صحابه پیغمبر اکرم است ، دارای دو همسر بود که در یکوقت بر اثر مرض طاعون در گذشتند ، معاذ برای آنکه که مال عدالت را بین آنها رعایت کرده باشد . در اینکه کدام یک را زودتر دفن کند بین آنها قرعه کشید ، ! (۳)

* * *

بنابراین ، تعدد زوجات ، از نظر اسلام ، در صورت امکان برقراری عدالت بین همسران از نظر حقوق ، جائز است و میان مسلمین ، درباره جواز آن ، هیچگونه اختلافی وجود ندارد بحث‌هایی از قبیل : تعلیق به حال و نظائر آن اجتهاد در مقابل نص و مخالف مشاهدات روزمره زندگی ماست حال باید دید که تعدد زوجات دارای چه فلسفه و مصالحی است ؟ امید است در شماره آینده این موضوع را مورد بحث و گفتگو قرار دهیم .

(۱) تفسیر المیزان ج ۵ ص ۱۱۱ .

(۲) برای تفصیل بیشتر این بحث رجوع شود به تفسیر المیزان جلد ۵ صفحه ۱۰۵ و

۱۰۶ و تفسیر المراغی جلد ۵ ذیل تفسیر دو آیه فوق .

(۳) مجمع البیان طبع جدید جلد ۳ صفحه ۱۲۱ .